

نامه سرگشاده چهل نفر از نویسندگان و روشنفکران ایران به هویدا

می کنند و سومین مسأله در زمینه مشکل کتاب ناشی از محدودیتهای شديدی است که در جهت مطالعه کتاب برای مردم اهل مطالعه، بخصوص جوانان و دانشجویان به وجود آمده است.

محدودیتها، فشارها و سایر عوامل بازدارندهای که در برابر خلاقیت فکری و هنری وجود دارد نه تنها ناشی از مقررات و ضوابط قانونی و دموکراتیک نیست، بلکه مطلقاً درخواستها و اشخاص مختلف و ناشی از بی اعتنائی آنها به قوانین رسمی و آزادیهای انسانی است. با توجهی به قانون اساسی که معرف نظام دموکراسی و مشروطه کشور است و نگاهی به وضع موجود به جرأت می توان ادعا کرد که از پیش کلیه مواد از قانون اساسی که ضامن صیانت و تقویت ریشه های اصلی انگیزه ها و محرکهای فرهنگی و خلاقیت فکری و رشد و بلوغ سیاسی و اجتماعی جامعه است مطلقاً به وسیله دولت و سازمانهای تابع آن به حال تعلیق و تعطیل درآمده است. نویسندگان و روشنفکران و اهل اندیشه از هرگونه تأمین حقوقی و قضائی و سیاسی و اجتماعی محرومند و در برخورد با قهر عوامل دولتی و سانسور، هیچ مرجع و تکیه گاه رسمی ندارند. چه بسا کسانی را می توان نام برد که به جرم تألیف یا ترجمه و یا حتی خواندن کتاب سالها در زندان بسر برده اند و می برند.

عامل اساسی خلاقیت فرهنگی و فکری، وجود ضمانتهای سیاسی و اجتماعی و قضائی برای آزادی تفکر و اندیشه، و آزادی مبادله افکار و تشکیل اجتماعات و چاپ و انتشار کتب و مجلات و مطبوعات جدی است که در قانون اساسی ما متمم آن و اعلامیه حقوق بشر به وضوح پیش بینی شده است. وجود همین آزادیها از صد سال پیش، جنبشهای فرهنگی و رشد و بلوغ فکری و سیاسی و اجتماعی مردمی را در کشورهای مختلف جهان سبب شده است که ما امروز به علت تعطیل آزادی و توقف فکری به صورت مصرف کننده محصولات مادی و معنوی آنها درآمده ایم و از این رهگذر به نازائی کامل فرهنگی دچار شده ایم.

آقای نخست وزیر... رشد اجتماعی و اقتصادی مرکز به تنهایی با افزایش ارقام و آمار مربوط به افزایش درآمد ملی از راه فروش و صدور منابع طبیعی کشور و افزایش درآمد سرانه همراه با یک نظام نامتعادل توزیع درآمد توجیه نمی شود و با رشد خلاقیت فکری و توسعه بنیادهای فرهنگی و گسترش فعالیتها علمی و ادبی و هنری رابطه مستقیم دارد. توسعه در درجه اول یک پدیده اجتماعی و فرهنگی است که گسترش صنایع و تراکم بی بند و بار شهرها از راه مهاجرت روستائیان و ترویج اقتصاد دلالی جای آنرا نمی گیرد. متأسفانه آثار و علائم انحطاط و رکود فکری و نازائی علمی و بی رونقی و جمود فرهنگی به روشنی در جامعه امروز هویدا شده است و هر

نامه سرگشاده زیر در تاریخ ۲۳ خرداد ماه ۱۳۵۶ از طرف چهل نفر امضا کنندگان آن برای هویدا فرستاده شده است. باید در نظر داشت که این نامه قبل از برکناری هویدا نوشته شده و علت اشاره به او بعنوان نخست وزیر از اینرو است.

جناب آقای امیر عباس هویدا نخست وزیر

اطلاع دارید که گهگاه و به مناسبتهاى مختلف جلسات پر صدائی حتى با شرکت شخص جنابعالی تشکیل می شود، به عنوان رایزنی در راه ترویج کتاب؛ و بهتر از دیگران می دانید که طنین گفتگوها چون بسیاری از کارهای دیگر دولتی همزمان با آخرین جلسه خاموش می شود و هیچکس اثری از پی گیری و گره گشائی مشاهده نمی کند. گزارشهای رسمی و دولتی نشان می دهد که در کمیسیونها و سمینارهایی از این دست، تنها دست اندرکاران سانسور و تجارت کتاب و امور فنی چاپ و نشر دخالت دارند و برای هر يك فرصتی است که از منافع خود دفاع کنند. ناچار گفتگوها از حدود اشاره به مشکلات و تنگناهای چاپ و توزیع و گرانی دستنزد ها و هزینه مواد اولیه فراتر نمی رود.

متأسفانه نویسندگان، شاعران، مترجمان، محققان و مصنفان و سایر کسانی که بالفعل یا بالقوه در عرصه خلاقیت فکری و هنری صالحند و به حق باید در مرکز این دایره قرار داشته باشند، به آن جلسات و سمینارها راه ندارند. به همین مناسبت هیچگاه طرح مسأله از سطح ظاهر تجاوز نکرده و به ریشه مشکلات توجه نشده است.

نشر کتاب و به طور کلی ترویج هر نوع آثار فکری و هنری بخشی از مسأله وسیعتری است که فرهنگ ملی نامیده می شود و چاره جوئی در باره این مسأله هم ناچار وابسته به اقدام و مشارکت فعالانه کسانی است که در کار خلاقیت فرهنگ و آفرینش فکری و هنری در صف مقدم قرار دارند و ارزشهای قومی یا ملی فرهنگ جامعه را با آثار خویش زنده می دارند. تفکر و چاره جوئی در باره اینکه چرا چنین مشارکت فعالانه و در برگیرنده ای وجود ندارد، ما را برانگیخت تا چنین نامه ای به حضور آنجناب بنویسیم.

آقای نخست وزیر... فرهنگ و خلاقیت فکری و هنری در جامعه ما دچار توقف و رکود شده است و حتی به جرات می توان گفت که نشانه های بسیار نگران کننده ای از انحطاط فرهنگی نیز پیدا است که ابعاد آن هر روز گسترده تر می شود. به عقیده ما این وضع ناشی از عوامل پیش پا افتاده فنیسی و مالی در زمینه نشر کتاب نیست که در مجامع رسمی و دولتی عنوان می شود، بلکه در درجه اول بسته به محدود بودن شدید شرایط تفکر خلاق و آزادانه برای نویسندگان، شاعران، اندیشمندان و کلیه کسانی است که در عرصه فکر و هنر صلاحیتی بالفعل یا بالقوه دارند. سپس مربوط به ضوابط شدید سانسور است که دستگاههای مختلف دولتی اعمال

شفقی	سپروس	مهمید	محمد علی
مقدم مراغه ای	رحمت اله	میرزاده	نعمت (آنزم)
طک	دکتر حسین	میرصادق	جمال
مؤذن	ناصر	ناطق	دکتر هما
مؤنسی	باقر	هزارخانی	دکتر منوچهر

آقای نخست وزیر

اصل امضاها نزد اعضای کانون محفوظ است و چون خود شما بهتر می دانید که به چه علت کانون نتوانسته است جا و نشانی مشخص داشته باشد و امضاکنندگان این نامه باندازه کافی در جامعه شهرت دارند. پاسخ شما به هر یک از امضاء کنندگان در حکم پاسخ به همه است و به سایرین خواهد رسید.

بیانیه کانون نویسندگان ایران

(مصوب فروردین ۱۳۴۷)

به طلی که ریشه های دور و دراز تاریخی و انگیزه های خاص مربوط به تضاد های دنیای کنونی دارد در روزگار مارتار مقامات رسمی ایران نسبت به صاحبان اندیشه و ابداع هنری در دو جهت کاملاً متمایز سیر می کند و چنین می نماید که اگر مانعی نباشد باز تا سالها در همان دو جهت سیر خواهد کرد:

یکی پروردن و به کارگرفتن اندیشه های رام دست آموزگه زندگی و تکاپویی اگر دارند همان در شیار مألوف سنن و مقررات و عقاید پذیرفته است با کم و بیش نازک کاری و آرایش و پیرایش که بهر حال هیچ چیز را در صورت موجود زمانه عوض نمی کند. سازمان های عامله کشور با توجه و دلسوزی مخدومان گذشته از مال و مقام و افتخارات همه گونه امکانی را برای نشر و اشاعه مکرات دلخواه آثارشان در اختیار این گروه می گذارند. دیگر ترس و بدگمانی و احیاناً کین تیزی نسبت به اندیشه های پویاننده راه گشا که نظریه افق های آینده دارد و فردا را نوید می دهد. در باره این گروه و غرابت اضطراب انگیز آثار و آراشان سعی همه در محدود داشتن و منزوی کردن و سرپوش نهادن است از طریق همه گونه سد و بند نهان و آشکار در زمینه های علمی عرضه و انتشار. و اگر این همه در پاره ای از موارد مؤثر نیفتاد و یا قبول عام سایبان مصون از تعرضی پدید آورد آنوقت نظاهر به همداستانی است و تأیید و تحسین ریائی و سعی در خنثی کردن اندیشه با حفظ قالب کلام. این رفتار دوگانه که آشکارا حقوق شناخته شده بمشتری را نقض میکند و کسانی را که نخواهند آزادی و آزاد اندیشی خود را در مقام خرید و فروش بگذارند به خاموشی محکوم می دارد در پس نقاب صلاح اندیشی و خیر اجتماع رشد فکری مردم و استعداد قضاوت درست آنان را نفی میکند، برخوردارانه، ارائه و نقد سالم و بارور اندیشه و آثار هنری را مانع میگردد

ایرانی علاقمند به سرنوشت ملی و قومی خویش را این انحطاط و عقب تأثیرش در وضع اجتماعی کشور، نگران کرده است. اگر بنا باشد که ما به عنوان ملتی آزاد و سر بلند و متکی به کار و فرهنگ خویش در جهان باقی بمانیم، و میراث ملی و فرهنگی گذشته، خویش را که در جهان درخششی کم نظیر دارد پاسداری کنیم، ناچاریم که قدم پیش نهیم و محدودیت های موجود را از میان برداریم و با کار فکری و خلاق خود با تمام گروه های اجتماعی کشور ارتباطی سالم و اصیل برقرار کنیم. برای رسیدن به این هدف در چارچوب قانون اساسی کشور و حدود و ثغور اعلامیه حقوق بشر، ما امضاء کنندگان این نامه تقاضا داریم:

۱- کانون نویسندگان ایران که رونوشت اساستامه آن به پیوست تقدیم می شود و تقاضای ثبت رسمی آن شده است، به عنوان مرجعی برای تعاطی افکار روشنفکران ایران امکان فعالیت رسمی بیابد.

۲- هرگونه مانعی در راه تأسیس محل یا باشگاه ملی برای اجتماع اعضای این کانون در تهران و شهرستانها رفع شود.

۳- برای انتشار نشریه ای جهت کانون و توزیع بلامانع آن در سراسر کشور تسهیلات قانونی فراهم گردد.

آقای نخست وزیر... با انجام این تقاضاها امید می رود مشارکتی که از هدف های اعلام شده و متأسفانه انجام نیافته دولت است به معنای اصیل و وسیع خود تأمین شود و همانطور که بارها اعلام شده، هر ایرانی، آزاد از هر نوع بیم و هراسی، عقاید و افکار خویش را در محیطی سالم و عاری از تنش های افراطی در چارچوب قوانین اساسی کشور به گوش سایرین برساند و ملت ایران توفیق یابد در جهان پیشرفته امروز بار دیگر خلاق فرهنگ و ارزش های علمی و معنوی باشد، نه چنانکه امروز می بینیم، فقط مصرف کنند آنها.

آقای نخست وزیر... ما امضاء کنندگان این ورقه بطور فرد فرد و جمعی مسئولیت نوشتن، امضاء کردن و به امضاء رساندن این نامه را به عهده می گیریم و در مقابل دستگاه های دولتی جوابگو خواهیم بود.

آدمیت	دکتر فریدون	رحیمی	دکتر سید علی
آشوری	داریوش	زهری	محمد
آل احمد	شمس	سعدی	دکتر غلامحسین
احمدزاده	محمود ابه آذین	سیا نگر	محمد علی
انوار	سید عبدالله	ستارزاده	ظاهره
بهار	دکتر مهدی	عبداله پور	احمد
بیضانی	بهرام	عایب	دکتر محمود
پاکدین	دکتر ناصر	فانی	کامران
پیرام	دکتر باقر	قاسمی	محمد
تقوایی	ناصر	کائوسی	علی
نکائینی	فریدون	کاظمیه	اسلام
حاج سید جواد	علی اصغر	کسرائسی	سیاوش
خدا بخش	ابوالفضل	گلشنری	هوشنگ
خبره زاده	علی اصغر	لارین	قاسم
دانشور	دکتر سیمین	مشتری	اسداله

و محیط ساکن و در بسته ای بوجود میآورد که در آن اوهام و اباطیل جایگزین اشکال زندهٔ ادب و فلسفه و هنر میشود. *
و این خسران بزرگ است هم در سطح فرد و هم در سطح اجتماع و ملت *

در دنیائی که از طریق روزنامه و کتاب و قلم و رادیو و تلویزیون سبیل اندیشه ها و مفاهیم گوناگون از فراز دیوار مرزها و مقررات در وجدان مردم جهان سرریز میکند هر ملتی موظف است که با آگاهی و بینش و ارادهٔ آزاد، غذای روح خود را ازین میان انتخاب کند و به کوشش فرزندان مبتکر و آزاد- اندیش خود دیگران را بر سفرهٔ رنگین فرهنگ خود بنشاند. *
و این جز با ارج گذاشتن به اندیشه های نو و احترام به آزادی فکر و بیان و تأمین بی خدشهٔ وسایل مادی نشر و تبادل آزادانهٔ افکار و آثار ممکن نیست. * مردم و سازمان های عالمهٔ کشور، خاصه همه کسانی که با اندیشه و ابداع سرورگار دارند باید بیاموزند که بیان و اندیشهٔ دیگران را خواه موافق خواه مخالف تحمل کنند و آزادی را به خود محدود ندارند. دایه و قییم و از آن بدتر گزیده نباشند. * چه آزادی اندیشه و بیان در فطرت آدمی است و هیچ جبر و تحکمی قادر به محو آن نیست. *
آزادی اندیشه و بیان تجمل نیست. * ضرورت است: ضرورت رشد آیندهٔ فرد و اجتماع ما *

و بر اساس همین ضرورت است که کانون نویسندگان ایران که شامل همهٔ اهل قلم - اعم از شاعر و نویسنده و منتقد و نمایشنامه نویسی و سناریونویسی و محقق و مترجم - میگردد

تشکیل مییابد و فعالیت خود را بر پایهٔ دو اصل زیرین آغاز میکند:

۱- دفاع از آزادی بیان با توجه و تکیه بر قوانین اساسی ایران - اصل ۲۰ و اصل ۲۱ متمم قانون اساسی - و اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر - مادهٔ ۱۸ و مادهٔ ۱۹ آن *

آزادی بیان شامل همه انواع آن اعم از کتبی و شفاهی یا به کمک تصویر است. * یعنی نوشتهٔ چاپی، سخنرانی، نمایش فیلم، رادیو و تلویزیون. * هر کسی حق دارد به هر نحوی که بخواهد آثار و اندیشه های خود را رقم زند و به چاپ برساند و پخش کند. *

مقامی که رعایت این حق از او مطالبه میشود قوای سه گانه کشور است و همه صاحب قلمانی که در راجد دست آوردن و صیانت این حق می کوشند میتوانند با قبول مفاد این بیانیه در کانون نویسندگان ایران نام نویسی و شرکت کنند. *

۲- دفاع از منافع صنفی اهل قلم بر اساس قانون قوانینی که - در حال یا آینده - روابط میان مؤلف و ناشر، و سازمان های عالمهٔ کشور را بنحوی عادلانه معین و منظم کند. *

کانون نویسندگان ایران از همهٔ صاحب قلمانی که به این دو اصل معتقد بوده و حاضرند در راه جان بخشیدن به آنها بکوشند دعوت میکند تا گرد کانون فراهم آیند و مساعی پراکندهٔ خود را برای رسیدن به مقصود هماهنگ سازند. □

تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیستهای ایران - سوسیالیستهای طرفدار راه مصدق
در مرداد ۱۳۹۳ - اوت ۲۰۱۴

www.ois-iran.com

socialistha@ois-iran.com

پیام دانشجو